

Criminal Responsibility Arising from Prescription of Using Banned Drugs (Doping) in Sports Based on Iranian and Imamah Jurisprudence

Morteza Zangeneh¹, Adel Sarikhany², Masoud Zangeneh³

Abstract

Nowadays, the use of banned performance-enhancing drugs (doping) in sport has been increased by athletes. As for drastic physical and spiritual damages, coaches are obliged to make the athletes aware of side effects and other improper consequences. According to anti-doping rules, if coaches and sporty physicians evade from their duty by an illegal prescription and cause physical damage to athletes they will be considered criminally responsible with regard to mental elements (Knowledge and Ignorance) and the common rules of criminal law (perpetration and causation), and there is no legal vacuum about this case. But if these illegal prescriptions by coaches or sports physician result prestige threat or destruction of reputation, there will be no rule for that. However, from the point of the view of the Imamah jurisprudence, this act is forbidden because of destructive effects on athletes' reputation and it is punishable by the judge. According to the Islamic laws and bases of criminology in cases such as the illegal prescription of using banned drugs (doping), it seems that it is up to lawmakers to criminalize such acts.

Keywords

Doping in Sports, Criminal Responsibility, Imamah Jurisprudence, Coach, Sports Physician

Please cite this article as: Zangeneh M, Sarikhany A, Zangeneh M. Criminal Responsibility Arising from Prescription of Using Banned Drugs (Doping) in Sports Based on Iranian and Imamah Jurisprudence. Iran J Med Law 2016; 9(35): 109-123.

1. MA, Department of Law, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding author) m.zangeneh@yahoo.com

2. PhD, Department of Law, University of Qom, Qom, Iran.

3. BA, Department of Law, University of Tehran (Farabi), Qom, Iran.

مسئولیت کیفری ناشی از تجویز داروهای غیر مجاز (دوپینگ) در ورزش

با نگاهی به قوانین ایران و فقه امامیه

مرتضی زنگنه^۱، عادل ساریخانی^۲، مسعود زنگنه^۳

چکیده

امروزه دوپینگ و مصرف داروهای غیر مجاز توسط ورزشکاران افزایش یافته است. با توجه به این که مصرف این قبیل داروها باعث می‌شود ورزشکار از لحاظ جسمی و معنوی آسیب ببیند، لذا قوانین مربوطه مربیان و پزشکان ورزشی را موظف به مراقبت، نظارت و پیشگیری از مصرف داروهای غیر مجاز توسط ورزشکاران کرده‌اند. به نظر می‌رسد اگر مدیران مذکور از انجام وظیفه قانونی خود تخلف کرده و با تجویز دوپینگ باعث ورود آسیب جسمانی به بدن ورزشکاران شوند با توجه به عنصر روانی (علم و جهل) و قواعد عام حقوق جزا (مباشرت و تسبیب) دارای مسئولیت کیفری باشند، لذا در این خصوص با خلأ قانونی مواجه نیستیم، اما معمولاً دوپینگ و مصرف داروهای غیر مجاز منجر به ورود لطمه به آبرو و حیثیت ورزشکار نیز می‌شود. در این زمینه اگرچه از منظر فقهی عمل مربی یا پزشک عالم و آگاه که با تجویز مصرف داروهای غیر مجاز و دوپینگ منجر به ورود لطمه به حیثیت و آبروی وی شده از مصادیق لطمه به حیثیت و آبرو بوده، لذا عمل حرام و قابل تعزیری تلقی می‌شود، لیکن در این قبیل موارد با خلأ قانونی مواجه هستیم و به نظر می‌رسد که قانونگذار بایستی با توجه به قواعد فقهی و مبانی حقوق کیفری در این قبیل موارد اقدام به جرم‌انگاری نماید.

واژگان کلیدی

دوپینگ در ورزش، مسئولیت کیفری، فقه امامیه، مربی، پزشک

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و قاضی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان همدان، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: m.zangeneh@yahoo.com

۲. دانشیار و رییس گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالکیت‌های فکری دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۱

مقدمه

نگاهی اجمالی به عرصه‌های ورزشی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده این واقعیت تلخ و ناگوار است که مصرف داروها، هورمون‌ها، مواد غیر مجاز و محرک روز به روز بیشتر می‌شود، تا جایی که امروزه حتی در بین جوانان و نوجوانان ورزشکار نیز رواج یافته است، لذا یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که ورزش را در سطح ملی و بین‌المللی تهدید می‌کند، افزایش استفاده از داروهای نیروزا است. به عنوان مثال در مسابقات المپیک سیدنی در سال ۲۰۰۰ میلادی ورزشکارانی از کشورهای رومانی، آمریکا و چین مبادرت به استفاده از داروهای غیر مجاز کرده بودند. در واکنش به این مشکل کمیته بین‌المللی المپیک در اول ژانویه ۲۰۰۰ میلادی قانون ضد دوپینگ را تصویب کرد (۱).

اما افزایش استفاده از مواد نیروزا، گستردگی و تنوع و پیامدهای ناگوار مصرف این قبیل مواد موجب شد که سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) نیز طی برگزاری سی و سومین اجلاس خویش در شهر پاریس که از ۳ تا ۲۱ اکتبر سال ۲۰۰۵ میلادی به طول انجامید، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با دوپینگ در ورزش را به تصویب رساند که دولت جمهوری اسلامی ایران هم در تاریخ ۱۳۸۸ / ۹ / ۱۶ به آن ملحق شد (۲). ماده ۲۴ کنوانسیون مذکور در خصوص ترویج تحقیق در زمینه مبارزه با دوپینگ چنین مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند در حدود امکانات خود تحقیق در زمینه مبارزه با دوپینگ را با همکاری سازمان‌های ورزشی و سایر سازمان‌های ذی‌ربط در مواردی ترغیب و تشویق نمایند [که یکی از آن موارد] روش‌های تشخیص و پیشگیری، ابعاد اجتماعی و رفتاری و پیامدهای سلامتی دوپینگ ... [می‌باشد]».

از سوی دیگر در ماده ۲ فصل بیست و یکم آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ در خصوص وظایف و مسؤولیت‌های پرسنل حامی ورزشکار چنین آمده است: «اطلاع و اجرای کلیه سیاست‌ها و قوانین مبارزه با دوپینگ بر اساس آیین‌نامه که شامل حال آن‌ها یا ورزشکاران تحت حمایت آن‌ها می‌شود»، اما منظور از پرسنل حامی ورزشکار «هر مربی، بدنساز، مدیر، کارگزار، کادر تیم، عوامل رسمی پرسنل پزشکی و پیراپزشکی، والدین یا هر فرد دیگری می‌باشد که با یک بازیکن شرکت‌کننده یا در حال آماده‌سازی برای رقابت ورزشی کار می‌کند، به درمان او می‌پردازد یا به او کمک می‌نماید» (۳).

هرچند در غالب موارد خود ورزشکار مبادرت به مصرف داروهای غیر مجاز نموده، به عوارض و عواقب رفتار خود علم داشته و از ممنوعیت‌های قانونی موجود مطلع می‌باشد، لیکن از یکسو مربی نیز نقش بسیار مهمی در انتخاب بازیکن، نحوه عملکرد و شیوه رفتار او قبل، حین و بعد از مسابقه دارد و معمولاً بازیکنان سعی می‌کنند دستور مربیان را رعایت و اطاعت نمایند و از سوی دیگر پزشکان ورزشی هم مانند مربی نقش بسزایی در سلامت جسمی و عملکرد فیزیکی بازیکن قبل، حین و بعد از مسابقه دارند و اصولاً مربیان بنا به تجویز پزشک تصمیم به شرکت بازیکن در مسابقه می‌گیرند. بنابراین با توجه به نقش مؤثری که مربیان و پزشکان در این زمینه ایفا می‌کنند کنوانسیون مذکور وظیفه نظارت و پیشگیری از مصرف داروهای غیر مجاز را بر عهده ایشان نهاده است، لیکن بعضاً در انجام وظایف خویش کوتاهی کرده و حتی در مواردی مشاهده می‌شود که داروها و موادی را برای شاگردان و ورزشکاران تهیه می‌کنند که باعث ورود صدمات جبران‌ناپذیری به آن‌ها می‌شود. بنابراین تحقیق درخصوص مسؤلیت کیفری مربیان و پزشکان در قبال مواد نیروزا با توجه به مشکلات ملی و بین‌المللی ناشی از آن امری ضروری می‌باشد.

تحقیق در این زمینه حاوی فواید بسیاری است، زیرا هم گامی در راستای عملی کردن اهداف کنوانسیون مبارزه با دوپینگ می‌باشد و هم آگاهی مربیان، پزشکان و ورزشکاران را از مسؤلیت کیفری خود به همراه خواهد داشت که همین امر باعث پیشگیری و کاهش استفاده از دوپینگ و دیگر مواد نیروزا خواهد شد. در این راستا، ابتدا به تعریف داروهای غیر قانونی و در گام بعد به تبیین مبانی مسؤلیت کیفری مربی و پزشک در ورزش پرداخته و در نهایت مسؤلیت کیفری اشخاص مذکور را از منظر فقه و حقوق کیفری در قبال داروهای غیر قانونی مورد بررسی قرار داده‌ایم.

تعریف داروهای غیر قانونی (دوپینگ)

منظور ما از داروهای غیر قانونی، دوپینگ است، یعنی داروهایی که مصرف آن‌ها برای ورزشکاران طبق قوانین و آیین‌نامه غیر مجاز بوده و تخلف ایشان منجر به باخت و محرومیت موقت یا دائمی آن‌ها از مسابقات خواهد شد. فهرست این داروها در آیین‌نامه بین‌المللی دوپینگ ذکر شده است. در توضیح معنای واژه دوپینگ باید این مطلب را افزود که ریشه آن در زبان کشور آفریقای جنوبی نهفته و به نوعی نوشیدنی الکلی گفته می‌شود که برای ایجاد تحرک در برخی

مراسم باستانی استفاده می‌شد. این اصطلاح امروزه در سطح گسترده‌ای در ورزش به کار می‌رود و منظور از آن استفاده از داروهای غیر مجاز به منظور افزایش توانایی و ظرفیت‌های عملی است. سازمان ورزشی اروپا در سال ۱۹۶۳ دوپینگ را چنین تعریف کرد: «مصرف یا تجویز مواد خارجی و یا مواد فیزیولوژیک خود بدن به مقدار غیر عادی و یا استعمال غیر طبیعی، توسط ورزشکاران به منظور به دست آوردن کارایی و توانایی بیش از اندازه در مسابقات و رقابت‌های ورزشی» (۴)، اما باید توجه داشت که «این تعریف از نظر حقوقی جامع نیست، زیرا برای تحقق دوپینگ نه انگیزه مرتکب و نه میزان انرژی مکتسبه شرط است. بنابراین می‌توان در تعریف دوپینگ چنین گفت که عبارت است از استفاده ورزشکار از مواد شیمیایی غیر مجاز» (۵).

مبنای مسؤولیت کیفری مربی و پزشک در ورزش

معمولاً مسؤولیت مربیان و پزشکان زمانی مطرح می‌شود که خطری برای بازیکنان ایجاد شده باشد. یک مربی یا پزشک در چنین وضعیتی باید به منظور اجتناب از صدمات اقدامات لازم را انجام دهد. به همین دلیل «بیشترین مسؤولیتی که برای مربیان و دیگر صاحب منصبان ورزش قرار داده شده جلوگیری از ورود صدمه به ورزشکار یا به حداقل رساندن آن است. آن‌ها اگر از ملزومات خاصی برخوردار نباشند، ممکن است که از لحاظ مدنی و حتی جزایی مسؤول شناخته شوند» (۶). در مورد علت جرم بودن اعمال و رفتار مربیان [و پزشکان] در ورزش گفته شده است که این افراد جزء مدیران فنی در ورزش محسوب می‌شوند که در رابطه با فعالیت‌های ورزشی به طور مستقیم وظایفی را بر عهده دارند و در صورت بروز حادثه بر حسب مورد ممکن است مسؤول شناخته شوند (۵).

در خصوص وظیفه مربیان و پزشکان در قبال مصرف داروهای غیر مجاز توسط ورزشکاران باید بگوییم که از یکسو با توجه به خطرات و صدمات جبران‌ناپذیری که استعمال و استفاده از چنین داروهایی بر جسم و روان و رفتار ورزشکاران دارد و از سوی دیگر با در نظر گرفتن محرومیت‌ها و مجازات‌هایی که از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های ملی و بین‌المللی ورزشی برای ورزشکاران و مربیان و پزشکان متخلف در نظر گرفته شده است، همه مدیرانی که در اماکن و مجموعه‌های ورزشی فعالیت می‌کنند در برابر مراقبت و کنترل دوپینگ از سوی ورزشکاران مسؤولیت داشته و موظف به نظارت و پیشگیری هستند. اهم اقداماتی که افراد مسؤول باید انجام دهند عبارتند

از: کسب آگاهی و اطلاعات لازم از داروها و مواد و روش‌های غیر مجاز، شناخت راه‌های دسترسی و تهیه داروهای غیر مجاز، آگاه‌ساختن ورزشکاران از خطرات و عواقب دوپینگ، آشنایی با اقدامات درمانی در موارد مصرف این قبیل داروها و کنترل تردد افراد مشکوک به اماکن ورزشی و ارتباط ایشان با این قبیل اماکن (۴).

بنابراین با توجه به مطالبی که در مقدمه بحث در ماده ۲ فصل بیست و یکم آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ مطرح شد مریمان و پزشکان قانوناً موظف به نظارت و اعمال مدیریت بر فعالیت‌های ورزشی ورزشکاران از جمله مصرف داروهای غیر مجاز هستند. از طرفی در خصوص مبنای مسؤولیت کیفری مریمان و پزشکان در ورزش باید بگوییم که این افراد جزء مدیران فنی در ورزش هستند که هرگاه عمداً یا غیر عمد از انجام وظیفه قانونی مذکور خودداری کنند و همین امر منجر به حادثه‌ای گردد طبق ضوابط عام حقوق جزا دارای مسؤولیت کیفری می‌باشند. به طور کلی قاعده عامی که از مجموع مقررات کیفری در این زمینه می‌توان استنباط کرد چنین است: هر کس وظیفه حفظ و مراقبت و یا نظارت بر افعال دیگری را بر عهده داشته باشد و در ادای تکلیف خود اهمال کند و بدین سبب رفتاری از ناحیه دیگری اتفاق افتد که منتهی به صدمه (جسمی یا حیثیتی) به او شود مسؤول است، هرچند تقصیر خود مرتکب و یا شخص ثالث نیز در وقوع این جرم مؤثر باشد. به عبارت دیگر مبنای مسؤولیت کیفری مدیران مذکور قابلیت انتساب جرم ارتكابی به آنها بر اساس ضوابط عام حقوق جزا می‌باشد که از جمله مصادیق این انتساب می‌توان به فعل، ترک فعل، مباشرت و تسبیب اشاره کرد.

مسؤولیت کیفری پزشک و مربی در قبال مصرف داروهای غیر مجاز

همانطور که بیان شد مصرف داروهای غیر مجاز از یکسو می‌تواند منجر به صدمات جسمانی مانند قتل، نقص عضو و... شود و از سوی دیگر ممکن است آسیب‌های معنوی و حیثیتی به بار آورد. با این حال بارها دیده شده است که با دستور مربی یا پزشک، ورزشکاران مبادرت به مصرف داروهای غیر مجاز می‌کنند که در ادامه به بررسی این موارد و نحوه مسؤولیت کیفری مریمان و پزشکان می‌پردازیم.

۱- مصرف دارو و صدمات وارده به تمامیت جسمانی ورزشکاران

همانطور که قبلاً بیان شد مربیان و پزشکان موظف به نظارت، مراقبت و کنترل مصرف داروهای غیر مجاز می‌باشند، لذا «مربیان یا مقاماتی که موادی را برای بازیکنان فراهم می‌کنند که می‌تواند به آن‌ها صدمه وارد کند یا کسانی که استفاده از چنین موادی را تشویق می‌کنند، ممکن است برای آسیب‌های بعدی یا اثرات جانبی آن مسؤؤل باشند. استفاده غیر کارشناسانه و تزریق مسکن نیز در صورتی که باعث صدمات بیشتر گردد، از این قاعده مستثنا نمی‌باشد. آگاهی‌دادن به بازیکنان در خصوص عواقب استفاده طولانی‌مدت از داروهای مسکن خاص نیز ضروری است» (۷). حال در اینجا چند فرض مطرح می‌شود که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۱- فرض اول: مربی یا پزشک با علم به این‌که دارویی اثرات سوء و خطرناکی دارد و نوعاً

منجر به مرگ ورزشکار می‌شود برای او تجویز می‌کند و ورزشکار پس از مصرف دارو دچار عارضه شده و فوت می‌نماید. سؤال این است که مسؤولیت کیفری پزشک و مربی در چنین مواردی به چه شکل می‌باشد؟ برای پاسخ به این سؤال باید به بحث اجتماع سبب و مباشر اشاره کنیم که یکی از موارد آن اقوی‌بودن سبب از مباشر است. «به نظر می‌رسد که از نظر تکوینی و فلسفی اقوی‌بودن سبب از مباشر محال است، زیرا همواره علت قوی‌ترین عامل است. در عین حال در برخی از مواد عرفاً مسؤولیت حادثه به سبب استناد داده می‌شود و از آنجایی که حقوق یکی از علوم اعتباری است و اعتبار عرف بر این است که در این‌گونه موارد سبب را ضامن می‌شمارند» (۸)، لذا این حالت در واقع استثنایی بر قاعده کلی ضمان مباشر بوده و در اصل این‌که سبب اقوی از مباشر ضامن است بحثی نیست مگر در برخی از فروع آن، ولی در مصادیق سبب اقوی بحث است. از جمله مواردی که سبب اقوی از مباشر است عبارتند از: اگره، اجبار، اضطرار، جایی که مباشر حیوان، عوامل طبیعی، کودک غیر ممیز، مجنون یا مغرور باشد (۹-۱۰).

لذا با توجه به توضیحات مطروحه به نظر می‌رسد در مواردی که مربیان و پزشکان عالم به اثرات سوء دارو می‌باشند و ورزشکار اطلاعی از آن ندارد، مدیران مذکور با توجه به عنصر روانی موجود دارای مسؤولیت کیفری هستند، بدین توضیح که اگر با قصد قتل این داروها را تجویز نمایند، طبق بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک

جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود» به قتل عمد محکوم می‌شوند (۱۱). البته لازم به توضیح است که برای قاتل عمد تلقی کردن مربیان و پزشکان، باید قصد قتل آن‌ها را احراز نمود و در شرایط معمول بعید است که مدیران مذکور با چنین قصدی دارویی را به ورزشکار تجویز نمایند. بنابراین چنانچه ورزشکار در نتیجه مصرف دارو فوت نماید با احراز شرایط اتهام قتل غیر عمد متوجه پزشک یا مربی می‌شود، مگر آنکه طبق فرض مطروحه مصرف داروهای تجویز شده نوعاً کشنده تلقی گردد که در این صورت قصد مربی یا پزشک در صورت آگاهی وی مفروض است و طبق بند ب ماده ۲۹۰ قانون مذکور که بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود» به قتل عمد محکوم می‌شود (۱۱).

۱-۲- فرض دوم: مربی یا پزشک از اثرات سوء مصرف زیاد و بلندمدت دارو بی‌اطلاع است. در این حالت باید بگوییم نظر به این‌که از جمله وظایف مربی اطلاع از ماهیت و اثرات دارو است، لذا بی‌اطلاعی وی از اثرات سوء و خطرناک مصرف بی‌رویه و بلندمدت دارو قابل قبول نمی‌باشد، زیرا رفتار متعارف مربیان و پزشکان در این‌گونه موارد کسب اطلاعات کامل در خصوص داروی مذکور و سپس تجویز آن به ورزشکار است. به عبارت دیگر در اینجا مربی یا پزشک بدون کسب مهارت کافی متصدی سمت شده است. در تأیید این مطلب باید بگوییم که نداشتن مهارت به دو شکل مادی یا معنوی است؛ عدم مهارت مادی یا بدنی به معنای نداشتن ورزیدگی و تمرین کافی در امور است که انجام صحیح آن‌ها مستلزم توانایی خاصی است، لیکن منظور از عدم مهارت معنوی، نادانی مطلق یا نسبی در خصوص شغل و حرفه مربوطه است (۱۲). البته طبیعی است ارتکاب فعل با عدم مهارت مصداقی از مسامحه و تقصیر است، که نهایتاً به همان شکل بی‌احتیاطی صورت می‌گیرد، لذا مربی یا پزشک از این حیث مقصر محسوب می‌شود که بدون به دست آوردن معلومات و اطلاعات لازم در خصوص اثرات داروها و چگونگی مصرف آن‌ها به ورزشکاران، که از ملزومات حرفه مربیگری و پزشکی می‌باشد، متصدی این حرفه شده است، اما ورزشکار مزبور در اینجا مسؤلیتی ندارد، زیرا او جاهل بوده و جهل وی ناشی از عمل سبب است. بنابراین شاگرد توسط مربی یا پزشک (سبب) فریفته شده است و

با توجه به این که عنصر روانی مدیران مذکور تقصیر می باشد طبق بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر داشته: «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر این که جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد» و همچنین ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، به قتل شبه عمد توأم با تقصیر محکوم می شود (۱۱). ماده اخیرالذکر مقرر می دارد: «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حیس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد، مگر این که خطای محض باشد» (۱۳).

۲- مصرف دارو و صدمات وارده به شخصیت معنوی به ورزشکاران

در اینجا به این مهم می پردازیم که ممکن است ورزشکار به تجویز پزشک یا مربی به مصرف داروی غیر مجاز پرداخته و در اثر این استفاده، از مسابقات - به طور موقت یا تمام مدت - محروم و در نتیجه به حیثیت اجتماعی و ورزشی وی لطمه وارد شود. حال سؤال این است که از منظر فقه و حقوق کیفری لطمه زدن به آبروی ورزشکار و اعاده حیثیت وی در این گونه موارد به چه نحو است؟ آیا مربی و پزشک مسؤولیت کیفری داشته و به مجازات محکوم خواهند شد؟

۱-۲- بررسی موضوع از منظر فقه: در روایات بسیاری از لطمه زدن به آبروی دیگری نهی شده و حتی آن را به مثابه جنگ با خدا دانسته اند. از دید فقهای اسلامی این عمل حرام و شخص خاطی قابل تعزیر بوده و حتی اگر از این امر زبانی به شخص وارد آید قابل جبران است. قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» نیز این عقیده را تأیید می نماید، زیرا لطمه زدن به آبروی یک شخص عمل حرام محسوب می شود و به همین دلیل قاضی می تواند برای این عمل حرام تعزیر مقرر نماید. نگارنده در این خصوص مبادرت به استفتاء از مراجع عظام تقلید نموده است که همگی مطلب فوق را تأیید نموده اند. متن استفتاء به شرح ذیل است:

آیا از منظر فقهی عمل مربی که با تجویز داروهای غیر مجاز باعث محرومیت ورزشکار از مسابقات ورزشی می شود و حیثیت ورزشی خود را از دست می دهد مصداق بردن آبروی ورزشکار می باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، در این خصوص صرف نظر از مسؤولیت انضباطی مربی که در آیین نامه های ورزشی مقرر شده است، آیا بردن آبروی ورزشکار به این صورت جرم می باشد و تعزیر و مجازات دارد؟

حضرت آیت‌ا... العظمی علوی گرگانی در پاسخ به استفتاء مطروحه به شماره ثبت ۹۳۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۲ چنین بیان نموده‌اند: «البته هر کاری که باعث هتک آبروی مؤمنی شود حرام است، ولی آیا این کار مصداق بردن آبرو و حیثیت ورزشکار توسط مربی خواهد بود به طور قطع نمی‌شود حکم کرد، زیرا در تمام موارد الا موارد خاص خود ورزشکار می‌داند که دارد داروی غیر مجاز مصرف می‌کند، لذا با دست خود اقدام به بی‌آبرویی خود نموده است، بلکه اگر ورزشکار نداند، مسؤولیت آن بر عهده مربی است و شرعاً حاکم شرع می‌تواند مربی را تعزیر نماید». همچنین حضرت آیت‌ا... العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به استفتاء فوق به شماره ۱۳۸۸۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۲ فرموده‌اند: «ورزشکار نباید به دستور مربی خود در این مورد عمل کند و اگر در این مورد عمل کند و اگر نداند مورد دوپینگ است و مربی به او دستور دهد، مربی مسؤول است».

پس با توجه به مطالب مذکور به نظر می‌رسد که از منظر فقه تجویز داروی غیر مجاز (دوپینگ) به ورزشکار به دستور مربی یا پزشک به طوری که ورزشکار از ماهیت دارو مطلع نباشد و از مسابقات محروم بشود مصداقی از بردن آبرو می‌باشد و عمل حرامی محسوب می‌شود که قاضی محکمه می‌تواند خاطی (مربی یا پزشک) را تعزیر نماید.

۲-۲- بررسی موضوع از منظر حقوق کیفری: از منظر حقوق جزا «واکنش کشورهای مختلف به دوپینگ متفاوت است، برخی کشورها چنین اقدامی را جرم تلقی کرده و واکنش‌های قانونی و انضباطی شدیدی علیه مرتکب اعمال می‌کنند، در حالی که برخی دیگر از کشورها مانند ایران صرفاً به ضمانت اجرای انضباطی بسنده کرده‌اند» (۵). از جمله کشورهایی که در این زمینه قوانین خاص ورزشی تصویب کرده و عمل دوپینگ را جرم شناخته‌اند، می‌توان به فرانسه، ایتالیا و اتریش اشاره کرد. در این میان قانون کشور اتریش از شدت و حدت بیشتری برخوردار بوده و مجازات‌های سنگینی برای مدیران ورزشی متخلف وضع شده است. برای مثال استفن مچینر (Stefan Matschiner) مربی دوچرخه‌سوار اتریشی برنارد کول (Bernhard Kohl) به علت مساعدت و تجویز مواد نیروزا و ممنوع (دوپینگ) به بدن دوچرخه‌سوار و خرید و فروش و [آموزش] روش‌های استفاده از مواد ممنوعه مذکور در کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با دوپینگ به ۱۵ ماه زندان محکوم شد (۱۴).

البته پس از الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با دوپینگ، مقررات سخت‌گیرانه‌تری در مورد ورزشکاران دوپینگی اعمال می‌شود، زیرا این کنوانسیون مقررات مفصل و سخت‌گیرانه‌ای را برای مبارزه با دوپینگ در نظر گرفته است. مثلاً در فصل دهم کنوانسیون مذکور در خصوص محرومیت‌های فردی ورزشکار مصرف‌کننده دوپینگ آمده است: «در صورت احراز تخلف از قوانین مبارزه با دوپینگ، بر اساس تصمیم هیأت دادرسی آن مسابقه، تمامی آن نتایج و پیامدهای به دست‌آمده توسط ورزشکاران خاطی در آن مسابقه باطل شده و مدال‌ها، امتیازات و جوایز حاصل از آن باز پس گرفته می‌شود. در خصوص مدت محرومیت ورزشکار از شرکت در مسابقات به اختلاف ذاتی ورزش‌ها توجه می‌شود» (۲). در خصوص مطلب مذکور ماده ۱۳ آیین‌نامه کمیته انضباطی فدراسیون بوکس مقرر کرده است: «استفاده از داروهای غیر مجاز (دوپینگ) به دلیل حفظ اعتبار معنوی ورزشکاران به هر صورت در مسابقات ممنوع می‌باشد. در صورتی که استفاده و اثبات آن توسط فدراسیون پزشکی ورزشی مشخص گردد، بوکسور خاطی به مدت یک سال از حضور در کلیه مسابقات محروم خواهد شد و مراتب به محل تمرین وضعیت مربوطه جهت اتخاذ تصمیم نهایی گزارش و در صورت لزوم بنا به تشخیص فدراسیون و کمیته انضباطی برای انتشار در اختیار وسایل ارتباط جمعی قرار خواهد گرفت» (۱۵)، یا در ماده ۳۱ آیین‌نامه ملی کنترل دوپینگ فوتبال یکی از موارد تخلف از قوانین مبارزه با دوپینگ، مصرف یا قصد مصرف یک ماده ممنوعه توسط ورزشکار می‌باشد که در فصل دوازدهم آیین‌نامه مذکور دوره محرومیت وضع شده برای این تخلف دو سال ذکر شده است (۳). بنابراین در حال حاضر قانون حاکم بر عمل غیر قانونی دوپینگ، مقررات کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با دوپینگ است، مضاف بر این که مقررات آیین‌نامه انضباطی هر یک از رشته‌های ورزشی نیز بر آن به عنوان نوعی تخلف انضباطی اعمال می‌شود (۱۶).

حال با توجه به توضیحات مذکور در فوق، این سؤال مطرح می‌شود که کدام یک از واکنش‌ها می‌تواند منطبق با اصول حقوقی باشد و گام مؤثری در جهت مبارزه با دوپینگ محسوب شود؟ آیا باید در این خصوص علاوه بر مقررات انضباطی به جرم‌انگاری هم پرداخت یا صرف مقررات انضباطی کافی است؟ برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا بدانیم که در چه صورتی مقنن دست به جرم‌انگاری عملی می‌زند؟ به عبارت دیگر مبانی جرم‌انگاری چیست و آیا این مبانی در خصوص دوپینگ هم قابل اعمال است؟

در خصوص مبانی جرم‌انگاری باید بگوییم که در طول تاریخ دو ملاک عمده برای تشخیص جرم‌انگاری وجود داشته است؛ سرزنش اخلاقی و ضرر. طبق ملاک سرزنش اخلاقی عملی جرم محسوب می‌شود که مرتکب آن سزاوار سرزنش اخلاقی باشد. این ملاک بر دو پیش‌فرض مبتنی است که پیش‌فرض اول عبارت است از وجود اراده آزاد در انسان، یعنی انسان باید مختار باشد، زیرا شخص مجبور را نمی‌توان سرزنش کرد و پیش‌فرض دوم پذیرش حسن و قبح در افعال است، زیرا سرزنش شخص، منوط به قبیح دانستن فعل اوست، اما در توضیح معیار دوم جرم‌انگاری یعنی ضرر باید گفت منظور این است که طرف مجرم به شخص یا جامعه ضرر یا آسیب مادی یا معنوی وارد نماید، یعنی عمل شخص باید طوری باشد که باعث ورود آسیب یا ضرر مادی یا معنوی به اشخاص دیگر یا جامعه شود تا عمل او قابل جرم‌انگاری و مجازات باشد (۱۷). «به نظر می‌رسد در کنار دو ملاک سرزنش اخلاقی و آسیب اجتماعی، باید شرط مهمی را اضافه کرد که همانا شرط مصلحت است. چه بسیار اعمالی که به نظم عمومی یا اشخاص حقیقی آسیب می‌رسانند یا مورد تقبیح اجتماعی قرار می‌گیرند، ولی جرم شمرده نمی‌شوند و از ضمانت اجرای مدنی یا اداری برخوردارند. شناور و متغیر بودن فهرست عناوین مجرمانه در هر کشور دلیل بر همین امر است» (۱۷). حال با توجه به توضیحات ارائه‌شده به نظر می‌رسد در خصوص دوپینگ هم بتوان مواردی را جرم‌انگاری نموده و فقط به ضمانت اجرای انضباطی اکتفا نکرد، زیرا همانطور که ملاحظه شد، مصرف دوپینگ علاوه بر این که عملی قبیح محسوب می‌شود و سرزنش اخلاقی برای مرتکب دربر دارد می‌تواند باعث آسیب جسمانی و حیثیتی ورزشکار شود. از منظر فقهی نیز عملی حرام شمرده می‌شود که قاضی می‌تواند برای آن تعزیر معین کند. به علاوه این عمل دارای تبعات اجتماعی فراوانی است که روند رو به افزایش استفاده از آن ضرورت جرم‌انگاری آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد. بنابراین به نظر مصلحت اقتضا می‌کند که در این خصوص جرم‌انگاری صورت گیرد و در مواردی برای مرتکبین مجازات کیفری در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

بعضاً دیده می‌شود که مربیان و پزشکان به وظیفه قانونی خود در قبال مراقبت، نظارت و پیشگیری از مصرف داروهای غیر مجاز توسط ورزشکاران عمل نمی‌کنند و حتی با تجویز این داروها باعث ورود آسیب جسمانی و معنوی به آن‌ها می‌شوند که در این صورت در مواردی

دارای مسؤولیت کیفری می‌باشند. در مباحث مذکور در فوق این موارد را به دو قسمت تقسیم کردیم؛ در مبحث اول مسؤولیت کیفری مربیان و پزشکان در قبال صدمات وارده به شخصیت جسمانی ورزشکاران در سه فرض بیان شد؛ فرض اول این‌که مربی یا پزشک خود اقدام به تهیه داروی غیر مجاز می‌کند و با علم و آگاهی از اثرات سوء و نوعاً کشنده، آن را به ورزشکار داده و وی را به مصرف دارو ترغیب و تشویق می‌کند. ورزشکار هم که از غیر مجاز بودن و آثار سوء دارو مطلع نیست، بنا به دستور مربی یا پزشک مبادرت به مصرف آن کرده و بعد از مدتی بر اثر استعمال دارو فوت می‌نماید. به نظر می‌رسد در اینجا چون مربی یا پزشک عالماً و عمدتاً و با قصد قتل دارو را به شاگرد می‌دهد، طبق بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به قتل عمد محکوم شود. در شرایط معمول بعید است که مدیران مذکور با چنین قصدی دارویی را به ورزشکار تجویز نمایند، مگر آنکه طبق فرض مطروحه مصرف داروهای تجویز شده نوعاً کشنده تلقی گردد که در این صورت قصد مربی یا پزشک در صورت آگاهی وی مفروض است و طبق بند ب ماده ۲۹۰ قانون مذکور به قتل عمد محکوم می‌شود. فرض دوم در جایی است که مربی داروی غیر مجاز را به ورزشکار می‌دهد، اما قصد قتل ندارد، بلکه یا از آثار سوء مصرف دارو در مدت طولانی مطلع نیست یا این‌که از آثار سوء مصرف دارو در درازمدت مطلع است، اما فراموش می‌کند شاگرد را از این آثار مطلع کند. در اینجا اگر مصرف داروی غیر مجاز باعث مرگ ورزشکار شود با توجه به این‌که مربی مرتکب تقصیر شده است، به نظر می‌رسد می‌توان وی را طبق ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به قتل شبه‌عمد توأم با تقصیر محکوم نمود.

در مبحث دوم به این نتیجه رسیدیم که اگر مربی یا پزشک با علم و آگاهی مبادرت به تجویز داروهای غیر مجاز به ورزشکار جاهل نمایند، به طوری که باعث محرومیت وی از مسابقات شده و در نتیجه به آبرو و حیثیت وی در جامعه لطمه وارد شود، دارای مسؤولیت می‌باشند. از منظر فقه امامیه نیز عمل این مدیران قابل تعزیر است، زیرا در این‌گونه موارد به آبروی یک فرد لطمه وارد آمده که عملی حرام تلقی می‌شود و قاضی می‌تواند برای آن تعزیر معین کند، اما متأسفانه در حقوق کیفری ایران در این زمینه خلأ قانونی وجود داشته و مربی و پزشک را صرفاً می‌توان به مجازات‌های مقرر در آیین‌نامه‌های انضباطی محکوم کرد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به مبانی جرم‌انگاری اعمال، بهتر است قانونگذار در خصوص چنین مواردی دست به جرم‌انگاری زند.

References

1. Bachner B. Sports and the Law: Asian in Context. *Asia Pacific Law Review* 2001; 9(2): 173-185.
2. UNESCO. International Convention on the Fight against Doping. Official Gazette: Number 18855-2009/11/21. Available at: <http://www.bahamasadc.com/Anti-Dopping%20Sports%20Act%202009.pdf>. Accessed April 5, 2014.
3. Football Federation Islamic Republic of Iran. National Football Doping Control Regulations. Available at: <http://www.ffiri.ir/en/medical/Regulations/default.aspx?SelectedViewIndex=4>. Accessed April 5, 2014. [Persian]
4. Kashef MM, Sheidaie M. Rights and Ethics of Sports. Tehran: Bamdad Book; 2010. p. 112-114. [Persian]
5. Aghaie-Nia H. Sports Law. 10th ed. Tehran: Mizan Publication; 2010. p. 116-118. [Persian]
6. Labuschagne JMT, Skea JM. The Liability of a Coach for a Sport Participant's Injury. *Stellonbosch Law Review* 1999; 2(10): 157-158.
7. Shabani M, Taheri HR, Yousefi B. Sports Law. Kashan: Publication of Legal Thought; 2009. p. 35-36. [Persian]
8. Sarikhany A. General Islamic Criminal Law. 5th ed. Tehran: Press PNU; 2009. p. 147. [Persian]
9. Mohaghegh Damad SM. Fegh Rules. Vol. 1. Tehran: Publishing Center of Islamic Sciences; 2004. p. 120-123. [Persian]
10. Ghiyasi J. Causality in Criminal Law. 2^{ed} ed. Tehran: Jungle Publication; 2004. p. 12-13. [Persian]
11. Iran's Islamic Penal Act. April 21, 2013. [Persian]
12. Goldozian E. Specific Criminal Law. 13th ed. Tehran: Tehran University Press; 2007. p. 148-149. [Persian]
13. Ta'azirat Act. May 26, 1996. [Persian]
14. Murphy J. Where in the World Is Doping a Crime?. Available at: http://www.apf.gov.au/About_Parliament/Parliamentary_Departments/Parliamentary_Library/FlagPost/2013/April/Where_in_the_world_is_doping_a_crime_doping_in_sports_pt_6. Accessed April 5, 2014.

15. Education Committee of Boxing Federation. Boxing Federation Disciplinary Committee Regulations. Tehran: Education Committee of Boxing Federation Islamic Republic of Iran; 2002. p. 4-5. [Persian]
16. Ahsaniforouz M. Sports Law. Tehran: Dadgostar; 2012. p. 122-124. [Persian]
17. Ghiyasi J, Sarikhany A, Khosroshahi G. A Comparative Study of Islamic and Positive General Criminal Law. Qom: Publications of Hawzah and University; 2009. p. 21-23. [Persian]